

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

اعضای برجسته جمعیت سرملی افغانستان :

جمعیت مذکور مشتمل از روحانیون وطن پرست ، معلمین ، ما مورین دولتی ، کسبه کاران ، نظامیان ، لیبرال های دربار ، پسران فیودال ها و اشراف و استادان هندی (منسونین مکتب حبیبیه) بودند که در شهر کابل زندگی نموده و از اکثر اقوام ، قبایل و ملیت های ساکن افغانستان نمایندگی می نمودند . مرحوم غبار برای اولین بار فهرست اسمای آنها را برویت لست استخباتی ملا مناج الدین لغمانی و برگد محمد عظیم خان کارگذار فابریکه حربی (۴۷) که در سال ۱۹۰۹م در جلال آباد به امیر حبیب الله خان تسلیم کرده بودند ، تهیه نموده است ، چنانچه نام برده در همین مورد مینویسد : « همین فهرست است که قسمت بزرگ و عمده اعضای حزب مشروطه خواهان اول را در دسترس تاریخ افغانستان میگذارد . امیر حبیب الله خان بروی این فهرست احکام خود را در جلال آباد و کابل در حوت ۱۲۸۵ هـ صادر کرد و گفت من تمام طومار نامنویس ملا مناج الدین را نخواهدم و در آتش انداختم ورنه عالمی بر باد میرفت . »

الف – اسمای اعضای حزب سرملی که محکوم به اعدام شدند : (۴۸)

۱ – مولوی محمد سرور و صف الکوزی – معلم مکتب حبیبیه پسر مولوی احمد جان الکوزی عالم ، شاعر و مرد آزاد یخواه و رییس عمومی نهضت مشروطه خواهان افغانستان بود که درگیر و گرفتار سال ۱۹۰۹م برای مدت دو روز در محبس شیر پور حبس و بعداً " با برادرش سعدا الله خان الکوزی و پسر کاکای پدرش عبدالقیوم خان الکوزی یکجا در تپه شیر پور به توپ بسته شدند . (۴۹)

مولوی محمد سرور و صاف ، بقول مرحوم حبیبی ، در آخرین لحظه زندگی قلم و کاغذ خواست و وصیت نامه خود را در نهایت آرامی و خوش خطی این طور نوشت : « درحالیکه به آمنت با الله و ملائکه ... ایمان کامل داشتم به امر امیر کشته شدم .

روزیکه شود اذ اسماء انظرت                      وندری آن اذ انجوم انکدرت  
من دامن تو بگیرم اندر عرصات                      گویم : صنما بای ذنب قتلت  
توصیه من به اخلاف این است :

### ترك مال و ترك جان و ترك سر + در ره مشروطه اول منزل است .

در مورد موجودیت این وصیت نامه اظهارات ضد و نقیض در آثار مؤلفین جلب توجه میکند : مرحوم غبار مینوسد : « اصل وصیت نامه در نزد عبدالهادی خان دای بود ولی ازدادن نقل آن بمن مضایقه شد . » پوهاند حبیبی در « جنبش مشروطیت در افغانستان » از قول دای مینگارد : « من از خود دای شنیدم که او در انوقت کودک بود و با ما در خود (اتکو) به فاتحه و صاف به خانه شان رفته بود و در انوقت حتی نام مشروطیت را نمی شناخت ، ولی کاغذ مذکور را در ایام جوانی و کسب شعور سیاسی نزد اخلاف و صاف دیده بود . » پوهاند هاشمی که با مرحوم دای مصاحبه ای داشت در ارتباط به این سند مینویسد : « بقول عبدالهادی خان دای که اصل وصیت نامه مولوی مذکور که به قلم پینسل ، روی یک توتی کاغذ نوشته شده بود نزد شان موجود است و به نویسندگانه این اثر وعده دادند که آنرا برایم نشان دهند . »

بهرصورت مولوی محمد سرور و صاف الکوزی شاعر ، ادیب ، دانشمند متبحر و عالم توانا بود ، آثار ادبی و تاریخی از او و جوامع است که سید مسعود پوهنیا در به ارتباط آثار و شخصیت علمی و فرهنگی اش چنین مینگارد : « ... مولوی موصوف نویسند و مترجم و شاعر توانا بود و از آثار ترجمه او کتابی است بنام اداریسیان و محمودیان و موحدین (افریقای شمالی) که از عربی بزبان دری در آورده شده نسخه خطی آن در ارشیف ملی کابل موجود است . از نمونه کلامش یک پارچه شیوایی است که به عنوان قصیده مدحیه و عظیمه در شماره نخستین سراج الاخبار افغانستان ۱۳۲۳ هـ مطابق ۱۹۰۵ م نشر شده و نسخه واحد آن اکنون در ارشیف ملی کابل محفوظ است . »

۲- سعد الله خان الکوزی - برادر مولوی محمد سرور و صاف الکوزی که در حین سرکوبی مشروطه خواهان در سال ۱۹۰۹ م یکجا با برادر و پسر کاکی پدرش در کابل در تپه شیرپور بعد از دو روز حبس به توپ بسته شد .

۳- عبدالقیوم خان الکوزی - پسر کاکی پدر مولوی محمد سرور و صاف که با اخیر الذکر یکجا در تپه شیرپور با آتش توپ اعدام گردید .

۴- لعل محمد خان کابلی غلام بچه دربار پسر جان محمد خان خزانه دار که در جلال آباد توسط درباریان اعدام شد

۵- محمد عثمان خان پروانی پسر محمد سرور خان پروانی در جلال آباد به توپ پرانده شد .

۶- جوهرشاه خان غوربندی غلام بچه خاص دربار که در جلال آباد در داخل دربار امیر حبیب الله خان به ضرب تفنگچه اعدام شد .

۷- محمد ایوب خان پسر تاج محمد خان پوپلزایی که در جلال آباد به دهن توپ بسته شد .

ب - اعضای حزب سر ملی که محکوم به حبس و یا بعداً رها گردیدند :

۱ - تاج محمد خان بلوچ پغمانی پسر علی محمد خان بلوچ که یکی از اعضای فعال حزب و رییس یکی از حلقات مشروطه خواهان بود .

۲ - غلام محمد خان میمنه گی رسام امیر پسر عبدالباقی خان و یکی از اعضای فعال حزب سر ملی بود . او زمانیکه عریضه مشروطه خواهان را در جلال آباد به امیر حبیب الله خان تقدیم نمود برای مدت دو سال محبوس شد . چون رسام دربار بود بزودی رها گردید .

۳ - مرزا محمد حسین خان راقم کابلی : از جمله اچکزایی های شهر کابل و در کوتوالی کابل به صفت مرزا کار می نمود . موصوف مرزای خوش نویس و شاعر بود که در جمله مشروطه خواهان محبوس و در همان جا جان سپرد .

۴ - مرزا عبدالرزاق خان کابلی

۵ - میرزمان الدین خان بدخشان می مور بار چالانی دربار : او از میرزاده های درواز بدخشان ، کاکای محمد ولی خان ، مرد هوشیار ، کاردان و از غلام بچه های دربار بود . از جمله مشروطه خواهان و پادشاه زاده امان الله خان بستگی فکری و سیاسی داشت . در دوره سلطنت امان الله خان والی کابل ، بعداً نایب الحکومه هرات مقرر و در سال ۱۳۰۲ در انجا درگذشت . (۵۰)

۶ - محمد انور بسمل پسر ناظر صفرخان امین الاطلاعات

۷ - احمد قلی خان قزلباش چند اولی - او از جمله مشروطه خواهان و به حیث مامور ستاره دولت (مخا برا ت) ایفای وظیفه می نمود

۸ - عبدالوهاب خان کرنیل کندک مزاری بلخ

۹ - پادشاه میرخان لوگری غلام بچه دربار

۱۰ - نظام الدین خان ارغند یوال غلام بچه دربار

۱۱ - قاضی عبدالحق خان سلیمان خیل ارغند یوال

۱۲ - میر سید قاسم خان لغمانی (معروف به میر صاحب)

۱۳ - مرزا غیاث الدین خان پسر مستان شاه کابلی - موصوف باد و برادر خود در جمله مشروطه خواها ن محبوس شدند و تا حکومت امانی در بند بودند .

۱۴ - حافظ عبدالقیوم خان کابلی پسر حافظ نور محمد خان مجنوب ، شخص شاعر و ادیب بود . در شیرپور محبوس و بعد از دو سال قید از حبس رها گردید

۱۵ - محمد ابراهیم خان ساعت ساز کابلی - نامبرده در رگیرو گرفت ۱۹۰۹ م مشروطه خواهان محبوس و تا جلوس اعلیحضرت امان الله خان در آنجا باقی ماند . در دوران امان الله خان مامور ناحیه اول بلدیة شهر کابل و در سال ۱۳۰۸ هـ مامور ناحیه جنوبی شهر کابل مقرر گردید . در عصر سلطنت نادر شاه ۱۳۰۸ هـ مدیر و مؤسس جمعیت خیریه امداد ملی و در ۱۳۰۹ هـ به حیث مدیر دارالایتام اجرا ی

وظیفه می نمود و در سال ۱۳۲۰ هـ مدیر دارالمساکین و دارالایتام و در ۱۳۲۵ هـ رییس مرستون شد . در اول قوس ۱۳۳۲ هـ به عمر هفتاد و دو سالگی در شهر کابل وفات کرد . (۵۱)

۱۶ - عبدالمجید خان ساعت ساز کابلی

۱۷ - عبدالرحمان خان قندهاری - کاکای مولوی محمد سرور خان و اصف است که با اخیر الذکر و عبدالقیوم خان دستگیر و در محبس فوت نمود .

۱۸ - شیر علی خان بارکزی - اوزخوانین و منتقدین چخانسور (سیستان) بود درحادثه ۱۹۰۹ م با سایر مشروطه خواهان محبوس شد و در عصر اعلیحضرت امان الله خان رها گردید .

۱۹ - ملا محمد اکبر آخندآده اسحاق زایی - مطابق اظهار مرحوم حبیبی (که از میر سید قاسم خان نقل قول میکند) او یک عالم منور بود و در اوایل دوره سلطنت امان الله خان از حبس رها گردید .

۲۰ - عبدالجلال خان قندهاری پسر کاکای غلام محی الدین خان است . از جمله مشروطه خواهان بود که تا اخیر سلطنت امیر حبیب الله خان در شیرپور محبوس بود .

۲۱ - کاکا سید احمد خان - وی فرزند فیض محمد خان و از منتقدین قندهاری و از جمله فارغان مکتب حریه عصر شیر علی خان بود و چند روزی افتخار شاکردی سید جمال دین افغانی را داشت . (۵۲) موصوف در ریاضی و لسان مهارت خاص داشت ، چنانچه کتابی در علم حساب بنام خلاصه الحساب تالیف کرد که متأسفانه به چاپ نرسید و هم برای سوادآموزان طریقه ای که بنام طریقه کاکا مشهور است وضع کرد . در عصر امیر حبیب الله خان منتظم مکتب حبیبیه و رییس یک حلقه مشروطه خواهان بود . قابل تذکر است که وی در آغاز سلطنت عبدالرحمان خان حبس شد و در اواخر آن رها گردید باز در واقع ۱۹۰۹ م در زمان امارت امیر حبیب الله خان دوباره به زندان افتاد و تا ختم دوره مذکور در آنجا باقی ماند که مجموعاً این مشروطه خواه و مبارز وطن پرست ۳۲ سال زحمت زندان را متحمل شد ، تا بالاخره بروز یکشنبه ۱۴ حوت ۱۳۰۶ هـ در شهر کابل در کوچه توپچی باغ کابل به عمر هفتاد و دو سالگی وفات و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد . (۵۳)

۲۲ - عبدالحبیب خان محمد زایی : پسر سردار عبدالوهاب خان (امین المکاتب) و برادر بزرگ سردار عبدالرحمان خان است . مدتی در تبعید سیاسی خارج مملکت می زیست در بازگشت بوطن شامل آن حلقه از مشروطه خواهان گردید که امان الله خان نیز عضویت آنرا داشت . موصوف با سایر مشروطه خواهان در ارگ محبوس شد اما بنابر نفوذ خاندانی بزودی رها گردید . وی در سال ۱۲۹۸ هـ یعنی در دوره سلطنت امیر امان الله خان بحیث وزیر معارف کار کرد و بعداً به عضویت مجلس عیان درآمد . در سال ۱۳۰۵ هـ به عمر شصت و دو سالگی جهان را پدید رود گفت .

۲۳ - سردار عبدالرحمان خان - پسر سردار عبدالوهاب خان برادر کهنتر سردار عبدالحبیب خان در اواخر سلطنت امیر حبیب الله خان سفیر افغانستان در هند بود ، در عهد سلطنت امان الله خان مستشار وزارت خارجه و به تعقیب آن حکمران فراره مقرر شد و در سال ۱۳۱۳ در همان جا وفات یافت .

۲۴ - محمد رسول خان محمد زایی اجیدن پسر امین الدوله

۲۵ - امیرالدین خان : مرحوم غبار نام او را امرالدین و محمد حسین خان پنجابی امیرالدین مینویسد . نزد مشروطه خواهان آدم مشکوک بود . وی در دستگاه پولیس شهر پشاور ماموریت داشت اما به علت ارتکاب کدام جرم از آنجا به افغانستان فرار نموده بود . در عصر اعلیحضرت امانالله خان به حکومت اعلی پکتیا مقرر شد . او یکی از محرکین اغتشاش ۱۳۰۳ جنوبی به قیادت ملای لنگ علیه دولت امانیه بود . این شخص مغشوش در اغتشاش ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ جزء عمال امیرحبیب الله خان کلکانی بوده و در سال ۱۳۰۸ نامبرده به امر نادر خان اعدام گردید . (۵۴)

۲۶ - مولوی مظفر مروت : مرحوم غبار نامبرده را بنام مظفر خان بلوچ (خروت) یاد نموده است . او در هند بریتانوی تحصیل نموده و بعد از تحصیلات به کابل آمده و در مکتب حبیبیه به حیث معلم پذیرفته شد ، با مشروطه خواهان محشور بوده در گریو گرفت ۱۹۰۹ م با آنها در شیرپور محبوس و بعد از همان جا چشم از جهان فرو بست .

۲۷ - داکتر عبدالغنی پنجابی - او پسر مولوی دوسند خان (Dosandh Khan) و یا الاشاها (Allasha) از مردمان جلالپور جتان (Jalalpur Jattan) گجرات علاقه پنجاب بود . (۵۵) در مورد تاریخ ورود او به افغانستان نقاط نظر متفاوت وجود دارند ، چنانچه پشتونیا در جریده کاروان مؤرخه ۱۸ سرطان ، ۱۳۵۱ هـ مطابق ۱۹۷۲ م مینویسد : « نامبرده در عهد سلطنت امیر حبیب الله خان بعد از تاسیس مکتب حبیبیه به افغانستان وارد شد . » در حالیکه پوهاند حبیبی در « جنبش مشروطیت در افغانستان » تذکر میدهد که «... در این سلسله اولین دستة معلمان هندی که در افغانستان جلب شدند داکتر عبدالغنی و برادرانش بودند که برای تدریس و تنظیم مدرسه حبیبیه به کابل آمدند ۱۹۰۳ م » در جای دیگر چند سطر بعد تر از قول میر قاسم خان متذکر میشود که : « چون نایب السلطنه سردار نصرالله خان به دعوت ملکه وکتوریا به لندن رفت (۱۳۱۲ هـ مطابق ۱۸۹۵ م) وی به خدمتش آمد و گاهی به حیث مترجم کار میکرد ، تا که سردار هنگام مراجعت خود او را به آمدن افغانستان دعوت کرد و سال بعد به کابل آمد و پس از احمدالدین به حیث مدیر مدرسه حبیبیه مقرر گردید . » که به این حساب او باید در ۱۳۱۳ هـ یا ۱۸۹۶ م وارد کابل شده باشد . قول میر سید قاسم خان را کفتار سردار محمد رحیم خان که ورود بار اول داکتر عبدالغنی را در زمان امارت امیر عبدالرحمان خان ذکر می نماید ، تأیید میکند چنانکه سردار موصوف مینویسد : « دوکتور عبدالغنی که از مسلمانان پنجاب بود و از نگاه روحیه ضد انگلیسی اش شهرت داشت در زمان حکومت امیر عبدالرحمان خان به صفت دوکتور در بازار لاهور به کابل آمد . » (۵۶)

اما خود داکتر عبدالغنی متذکر میشود که : « قبل از آنکه امیر حبیب الله خان اراده تاسیس مکتب را نماید از من و برادرانم خواست تا ترتیبات لازم را اتخاذ نمایم » و باز اضافه میکند : « مکتب کابل که من نام را با اسم امیر حبیب الله خان (حبیبیه) یاد کرده ام . » (۵۷)

بهر صورت وی از جمله معلمین مستخدم هندی ، مدیر مکتب حبیبیه و رئیس حلقه معلمین هندی بود . با سایر مشروطه خواهان در حادثه ۱۹۰۹ م برای مدت یازده سال حبس و در آغاز سلطنت امانالله خان رها گردید و در هیئت مذاکره صلح و استرداد استقلال کشور در جمعیت والی علی احمدخان لوی ناب به را ولپندی فرستاده شد . (۵۸)

از آغاز آمدنش به افغانستان، در بارهٔ داکتر عبدالغنی خان شایعات و سخنان مبنی بر آنکه گویا او جاسوس و از افراد انتلجنت سرویس انگلیس است شنیده می‌شود، اما تاکنون کدام سند توثیق و دست‌اول نه از جانب محققین افغانی نشر شده و نه در جمله اسناد سری اند یا آفس‌لندن که دلالت به جاسوس بودن او بکند به نظر خورده است، صرف مسعود پوهنیا در «پاورقی» ظهور مشروطیت و قربانیا استبداد در افغانستان «مینویسد که: «سید قاسم رشتیا در باره عبدالغنی چنین تحریر می‌دارد که: داکتر غنی شخص متناقض بوده، در اسناد محرمانهٔ دولت هند بریتانوی که مرحوم عبدالوهاب طرزی در دهلی مطالعه کرده و در اثر چاپ نشده خود تذکر داده است که داکتر عبدالغنی با دوایر استخباراتی هند بریتانوی ارتباط داشت، اما چگونه در جمله مشروطه‌خواهان و مشوقین آنها قرار گرفته و خود هم مدت یازده سال محبوس شد، نقیض تلقی فوق می‌باشد. در هر صورت باید این موضوع هم تذکر داده شود تا افواه ارتباط با انگلیس از افغانها ازاله یابد، و علاوه کرده است که طرزی موصوف را بطل داکتر غنی را با انگلیسها بعد از مراجعت او به هند نوشته است نه در دوره ما موریتش در افغانستان.» ولی سند یاد شده تا هنوز نه بصورت مطبوع و نه بصورت غیرمطبوع بدسترس نویسندگان قرار گرفته است. موضوع اتهام به جاسوسی وی در سرحد حدس و گمان است. بنا بر آن قضاوت در باره شخص داکتر عبدالغنی هنوز قبل از وقت است، اما آنچه مشهود است او با همکاران مسلمان هندی اش در قسمت اشاعه و توسعه معارف در افغانستان خدمات شایانی نموده اند. در مورد شخصیت داکتر عبدالغنی خان تا بدست آمدن مدارک مستند، اظهارات میر سید قاسم خان که معاصر او بود منصفانه تر و منطقی تر به نظر می‌آید که مرحوم حبیبی در «جنبش مشروطیت در افغانستان» طور ذیل استشهاد میکند: «اینجا نب میر قاسم با داکتر غنی ارتباطی ندارم، اما از نظر اخلاق بدون دلایل مستند یک انسان و مخصوصاً یک مسلمان را که سالیان متمادی به معارف و مطبوعات وطن ما خدمت کرده است متهم ساختن به فعالیت‌های تخریبی و جاسوسی، دور از انصاف است... اگر او جاسوس انگلیس بود، طبعاً اعلیحضرت امان‌الله خان که از دشمنان سرسخت انگلیس بود او را بزودی رها نمی‌کرد و مخصوصاً در هیئت مذاکره صلح و استرداد استقلال کشور، به معیت والی علی احمد خان به راولپنڈی نمی‌فرستاد.»

داکتر عبدالغنی خان بعد از به قدرت رسیدن مشروطه‌خواهان و استرداد استقلال افغانستان که رنج حبس یازده سال زندان را کشیده بود به بهانه دیدن اقارب به هند بریتانوی رفت و بازنگشت. (۵۹)

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می‌توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7, Canada**  
**Tel (905) 665-8767**